

## رابطه‌ی «دمکراسی» و «توسعه‌ی پایدار»

نوشته‌ی: پتروس عالی

(دبیرکل سابق سازمان ملل متحد)

برگردان: ف. م. هاشمی

جهان امروز، ترکیبی بسیار پیچیده و متناقض از بیم و امیدهاست، جهانی که در آن، «فرد»، بیش از هر زمان دیگری نقش ایفا می‌کند. اگر چه «انسانیت» ویژگی اصلی کره‌ی زمین است اما، زمین ما، خود به‌دو جهان تقسیم شده است: جهان اغنیا و جهان فقرا. جهان اغنیا سرشار از فراوانی و نعمت‌های بی‌کران و بهره‌مند از حکومت قانونی و دمکراسی است. در این جهان، «فرد» به داشتن عقیده و ابراز آن تشویق می‌شود و می‌تواند آزادانه راه و روش زندگی خویش را انتخاب کند.

برعکس، ویژگی بارز جهان فقرا، بی‌قانونی، دیکتاتوری رهبران و فقر مطلق مردم است. در این جهان، جنگ و منازعه، پیوسته انسجام جامعه و ثبات سیاسی نظام‌های حاکم را تهدید می‌کند: جهانی که در آن، آینده، تنها به‌معنای فرداست.

برای ما که این سعادت را داشته‌ایم تا در جهان «اغنیا» زندگی کنیم، نیندیشیدن به‌سوی دیگر این معادله، گناهی بس بزرگ و نابخشودنی است. محور مباحثات جهان امروز را رابطه‌ی میان «توسعه» و «دمکراسی» تشکیل می‌دهد: دو واژه‌ای که سخت به‌هم وابسته‌اند با کمال تأسف تاکنون جداگانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سرنوشت صلح و رفاه در جهان امروز به‌سرنوشت این دو مقوله بستگی دارد.

سعادت بشر، شکوفا شدن استعدادها، استقرار حکومت قانون و احترام به‌حقوق بشر، به‌ویژه در جامعه‌هایی که هر یک از این مقوله‌ها، رویا تلقی می‌شوند، همه و همه در گروه «توسعه» و «دمکراسی» است. اما، چرا جهان امروز با وجود دهه‌ها تلاش برای نیل به «توسعه» همچنان نیازمند احداث پل بر دره‌ای است که این دو جهان را از یک‌دیگر

جدا می‌کند؟ چالش‌هایی که امروزه در برابر «دمکراسی» قرار دارند کدامند؟ در دنیای چند قطبی کنونی که به‌نظر می‌رسد دولت‌ها صحنه‌گردان اصلی آن هستند، به‌تدریج بر نقش بازیگران غیردولتی و نقش‌آفرینان جامعه‌ی مدنی افزوده می‌شود.

**دمکراسی چیست؟ دمکراسی سیستمی است که در آن، تمامی آحاد جامعه، در تمامی سطوح، می‌توانند در فرآیند تصمیم‌سازی شرکت و کنترل خویش را بر تمامی مراحل آن اعمال کنند.** احترام به حقوق بشر، یکی از مبانی اصلی دمکراسی است و تنها در صورتی انجام می‌شود که نهادهای مناسب برای پی‌گیری روند تصویب و اجرای مفاد آن به‌وجود آیند. مردم، باید در این نهادها حضور موثر داشته باشند و از این طریق، صدای خود را به‌گوش حاکمان برسانند. تسلیم همگان در برابر قانون، وجود یک سیستم انتخاباتی صحیح، مشارکت آزادانه‌ی شهروندان در فرآیندهای دمکراتیک، از دیگر عناصر بنیادین آزادی‌های مدنی محسوب می‌شوند.

اما، دمکراسی، چیزی بیش از یک چهارچوب نهادین است. دمکراسی، یک باور و فرهنگ است که مبنای آن را تحمل دیگران، احترام به تفاوت‌های شخصی، تنوع آرا و عقاید، آزادی بیان و تضارب آرا تشکیل می‌دهد. دمکراسی، مجموعه‌ای از ارزش‌هاست که میراث مشترک بشریت محسوب می‌شود. این‌ها همه، اصول بنیادینی است که بدون آن‌ها دمکراسی و توسعه‌ی پایدار بی‌معناست. تمامی این اصول باید مورد پذیرش نقش‌آفرینان محلی، افراد، نهادهای اقتصادی و اجزای جامعه‌ی مدنی قرار گیرد و به‌وسیله‌ی آن‌ها رعایت شود.

البته، تاکید جامعه‌ی جهانی بر نقش بنیادین ارزش‌های دمکراتیک، به‌آن معنا نیست که ویژگی‌های خاص تاریخی، مذهبی یا اقتصادی کشورها نادیده انگاشته شود. در واقع، با تطبیق اصول عام بالا، بر شرایط مشخص هر جامعه، می‌توان به‌انسجام درونی جوامع بشری کمک کرد. اما، محور تمامی این تلاش‌ها، باید احترام به حقوق قرار باشد.

سرچشمه: *Hindu. Com*

\*\*\*